

آیات شیطان

جستجوی این وب گاه

می خواهیم همه شهر را به رنگ سبز در بیاوریم

ژوئن 30, 2009 توسط فرناز

Doesn't matter if it's a spray or a bucketful of paint, **we want to paint our city green.**

It doesn't matter if it's a slogan of "Allah o akbar" (God is the greatest) or "Down with dictator". It doesn't matter if you paint symbols of freedom or just put a splash of green on a wall ...what matters now is that we want to unveil our unity. We are green. We want to show that we have roots in this country, and that by cutting our branches and uprooting few of us, they can not turn this green woodland of unity into a barren wasteland. We want to show that now each and every one of us is a leader!

فرقی نمی کند که از اسپری استفاده می کنید یا سطل رنگ، مهم این است که **می خواهیم همه شهر را سبز رنگ کنیم.**

مهم نیست که الله اکبر می نویسید روی دیوارها یا مرگ بر دیکتاتور. مهم نیست شعار می نویسید یا نماد آزادی را نقاشی می کنید. حتی مهم نیست که اصلاً می نویسید یا یک سطل رنگ سبز را روی دیوار خالی می کنید...مهم این است که می خواهیم بگوییم همه با هم متحد هستیم و سبز. می خواهیم پیغام بدهیم که ریشه ما در خاک ایران است تا فکر نکنند اگر شاخه ای را هرس کردند می توانند جنگل ما را بیابان کنند. بفهمانیم که امروز دیگر هرکدام از ما یک رهبریم.

پس از همین امروز شروع می کنیم و هرکجا که دستمان رسید را سبز خواهیم کرد. فقط برای اینکه بهانه به دشمن ناچیز خود ندهیم ماشین ها و درب خانه ها رنگ نمی کنیم.

برای موفق شدن این طرح ما به اطلاع رسانی گسترده نیاز داریم و برای اطلاع رسانی باید در وبلاگ ها در مورد این طرح بنویسم. باید از شهر سبز خود عکس بگیریم و روی شبکه های اجتماعی بگذاریم. باید با همان رنگ سبز، روی دیوارها، این طرح را تبلیغ کنیم. باید از همه امکانات اینترنت و شبکه های اجتماعی مثل توئیتر و فیس بوک و بالاترین و... استفاده کنیم. باید از هر عکس سبزی که ارسال می شود حمایت کنیم. باید با آشنایان تماس بگیریم و از این طرح بگوییم. باید با افراد شناخته شده تماس بگیریم و بخواهیم این طرح را تبلیغ کنند و حتی همین متن را در وبلاگ خود کپی کنید و به ایمیل دوستانتان فوروارد کنید.

مطمئن باشید اگر متحد شویم این طرح کم بهترین و کم هزینه ترین و عملی ترین طرح ممکن است برای رساندن پیام خود به حکومت که خیال نکند سکوت چند روزه ما از رضایت بوده است و در ادامه این طرح هم می توانیم طرح های دیگری را بکار بگیریم.

برگه ها

About «
About «

بایگانی

« ژوئن 2009
« مارس 2009
« فوریه 2009
« ژانویه 2009
« دسامبر 2008

دسته ها

« (3 Uncategorized)

« موج سبز (1)
« ورزش (1)
« اینترنت (1)
« بالاترین (4)
« جامعه (4)
« حقوق بشر (1)
« رسانه (2)

Blogroll

« WordPress.com
« WordPress.org

متا

« نام نویسی
« ورود
« XHTML معتبر
« XFN
« WordPress

متن برای تویتر به فارسی:

فرقی نمی کند که از اسپری استفاده می کنید یا سطل رنگ، مهم این است که می خواهیم همه شهر را سبز رنگ کنیم #iranelection <http://bit.ly/hoPwG>

به انگلیسی:

Doesn't matter if it's a spray or a bucketful of paint, we want to paint our city green! <http://bit.ly/hoPwG> #iranelection

پی نوشت ۲: فکر کنم کمی ابتکار هم میشه به خرج داد و این طرح رو بهتر کرد. اگه ایده ای دارید بنویسید تا من زیر همین نوشته اضافه کنم. ایده هایی که تا الان بدستم رسیده:

ترجیح رنگ را از نزدیک ترین مغازه نخرید.

بمب رنگی با لامپ برق

نارنجک رنگی با تخم مرغ

از این دوتای بالایی میشه برای رنگی کردن از راه دور استفاده کرد.

ایران را سبز می کنیم

پی نوشت ۳: اگر بعد از رنگی کردن دیوار از آن عکس گرفتید به ایمیل من ارسال کنید تا هم در اینجا هم در شبکه های مختلف شر کنم.

برچسب ها: موج سبز، رای من کجاست، سبز، شهر سبز
نوشته شده در موج سبز | 9 دیدگاه »

مضلین 3: همه ایرانیان!

مارس 25, 2009 توسط فرناز

این آمار از سایت گرداب برداشته شده:

شبکه مورد نظر با جذب بیش از **300000 (سیصد هزار!)** کاربر ثبت نام شده و تعداد بسیار زیادی کاربر ثبت نام نشده فعالیت می نموده است... این کلیپ ها تا کنون حدود **350000 (سه میلیون و پانصد هزار!)** بار دانلود شده اند.

دقت کنید این فقط آمار یکی از سایت هاست! با حساب آمار بالا میشه گفت تقریباً 2 میلیون کاربر عضو و مهمان داشته این سایت. این یعنی همه کاربرهای فعال اینترنت در ایران. یعنی اگر همه جمعیت ایران کاربر فعال اینترنت بودند، 70 میلیون مشتری داشت این سایت و یعنی اگر قراره کسی اعدام بشه همه مردم باید با هم اعدام بشن...

با اعدام مجرمین چیزی جبران نمیشه آقای گرداب چون همه فیلم ها روی آپلودسنترها آپلود شده بودن و همین الان هم همشون با یک سرچ ساده دم دست هستن. اتفاقاً آپلود سنترها فیلتر هم نیستن. این 70 میلیون هم که سیر نشدن از سکس که دیگه لذت نبرن از تجاوز به زندگی خصوصی آدمها.

آقای گرداب مشکل جای دیگه ای هست، مشکل تو وجود نحس* شماسه که با تابلو اسلام، سکس رو ممنوع کردید تا زیرزمینی بشه و حالا به این گنداب رسیدیم... اگه کسی باید اعدام بشه این شما هستید آقای گرداب! اما من با اعدام مخالفم؛ حتی اعدام شما آقای گرداب

پ.ن: من از مجرم دفاع نمی کنم اما مجرم اصلی رو کسی می دونم که باعث به وجود آمدن این وضع شده

پ.ن.2: املای نحس غلط بود که با تذکر دوستانم تصحیح کردم

برچسب‌ها: گنداب، گرداب، تجاوز، سکس
نوشته شده در جامعه | 12 دیدگاه »

حالا.. نوبت ماست! خبرگزاری فارس را تحریم می کنیم!

فوریه 7, 2009 توسط فرناز

هنوز از شوک حمله هکرها به بالاترین خارج نشده بودیم که خبرگزاری فارس باز مثل همیشه شروع کرد به ماهی گرفتن از آب گل آلود و با همان روش مشمئز کننده همیشگی خبری تنظیم کرد در این مورد. در متن خبر آمده بود:

به گزارش خبرنگار "سرویس فضای مجازی" خبرگزاری فارس، وبسایت بالاترین که بر حسب رای به لینک برخی از اخبار خاص را در صفحه اول خود قرار می‌داد، از سوی برخی هکرها ناشناخته غیر فعال شد.

برپایه این خبر در جریان جنگ 22 روزه این لینک دانی به طور عمل کرده بود که به سختی خبری از جنایات رژیم صهیونیستی در نوار غزه در صفحه اول این سایت نقش نقش می‌بست.

همچنین این سایت که مدعی آزادی بیان که از سوی برخی جریان‌های غربی حمایت می‌شد دسترسی کاربران را که با نام مستعار افرادی همچون خالد اسلامبولی، عماد مغنیه و دیگر شهدای اسلام اقدام به انتشار لینک خبرهای اسلامی - مذهبی می‌کردند را سریعاً با عنوان اینکه کاربر، شما مرتکب تخلف شده‌اید غیر فعال می‌کرد.

پیش بینی می‌شود این اقدام در راستای حمایت از مردم مظلوم غزه در جریان جنگ سایبری هکرها با رژیم صهیونیستی صورت گرفته است.

همه ما می دانیم که جامعه بالاترین جز خوبی هیچ نکرده در حق فارس و میلیون‌ها بازدیدکننده را روانه سایت این خبرگزاری کرده است. اما چرا فارس باید در جواب این لطف بزرگ چنین دروغ‌هایی را بر علیه جامعه بالاترین و مدیران این سایت منتشر کند؟ آیا واقعاً کم خبر داغ داشتیم در مورد جنگ در طول آن 22 روز؟ ببخشید اگر جامعه بالاترین از رهبری دستور نمی گیرید که کلاً جریان رسانه ای را متوقف کند و همه چیز بشود غزه آن هم از نوع تبلیغاتی اش برای جمهوری اسلامی.

باز من و تو می دانیم که جایگاه هر مطلب را در بالاترین من و تو تعیین می کنیم و برای ما 20 هزار نفری که در این سایت فعال هستیم توهین آمیز است که فارس بنویسد «برپایه این خبر در جریان جنگ 22 روزه این لینک دانی به طور عمل کرده بود که به سختی خبری از جنایات رژیم صهیونیستی در نوار غزه در صفحه اول این سایت نقش نقش می‌بست.»

فارس ادعا کرده که بالاترین از سوی برخی جریان‌های غربی حمایت می شود. اولاً چرا ننوشتید از سوی چه جریانی مگر تعارف دارید؟ بعد این چه حمایت کشکی است که هنوز پول خریدن یک سرور درست و حسابی و استخدام 4 نفر را ندارند؟

قبل از این هم بارها کمانگیر و سایرین دست فارس را در جعل و دروغ پردازی رو کرده اند و اصلاً ماهیت این خبرگزاری که آلت دست حکومت ایران است و در خدمت احمدی نژاد برای همه روشن است و نیازی به توضیح بیشتر ندارد. خبرگزاری که با پول مردم بر علیه مردم فعالیت می کند...

اما آقای/ خانوم فارس اگر میلیون‌ها ایرانی نمی توانند نسبت به دروغ‌ها و جعل‌های شما که به اسم خبر و گزارش و عکس منتشر می شوند واکنشی نشان بدهند، ما بالاترینی‌ها، دنباله ای ها و... می توانیم در جامعه آزاد خود، تو را نقد کنیم و در مورد تو و عملکرد تو آزادانه قضاوت کنیم، تصمیم بگیریم و در یک حرکت جمعی تصمیم خود را عملی کنیم.

فکر می کنم الان وقت خوبی است برای محروم کردن فارس از میلیونها بازدیدکننده ای از سمت بالاترین و دنباله روانه سایت این خبرگزاری می شوند. اما خودمان را هم محروم نمی کنیم از سوژه های خنده و بعضی عکسهای خوب که توسط عکاسان ثبت شده اند. پیشنهاد من این است:

از این به بعد هیچ لینک مستقیمی به فارس داده نشود. هر خبر یا گزارش یا عکس و... که دوست دارید از فارس به بالاترین یا دنباله ارسال کنید را توی وبلاگ ها کپی کنید و از وبلاگ خود به بالاترین یا دنباله لینک بدهید. برای حفظ شان بالاترین و دنباله هم، طبق عرف رسانه ها، منبع مطلب را ذکر کنید و در مورد عکس ها هم اگر احیاناً فارس از عکاس بیچاره اسم برده بود، اسم او را هم حتماً بنویسید.

به این 4 نکته هم اشاره کنم:

1- فکر لینک های تکراری نباشید چون همین الان هم هر مطلب فارس را با چند آدرس می شود فرستاد به بالاترین و مثل همیشه با این مساله برخورد می کنیم.

2- قطعاً مثل همیشه خیلی ها ساز مخالف می زنند اما همین که موافقان این طرح همین کار را بکنند تنبیه خوبی است برای فارس. لطفاً از کلیک کردن روی لینک هایی که از فارس مستقیماً ارسال شده اند خودداری کنید.

3- این کار تا زمانی فارس خبر خود را تصحیح کند و از جامعه بالاترین عذرخواهی کند ادامه خواهد داشت.

4- اگر پیشنهاد بهتری دارید هم آن را مطرح کنید.

در آخر آقای/خانوم فارس آیا «شبکه اجتماعی» اینقدر وحشت آور بود که نوشتید «سرویس فضای مجازی»؟! البته قبول دارم که شما از هر چیزی که معنای «جامعه» داشته باشد وحشت دارید ولی باید به فکر درمان باشید.

لینک این نوشته در وبلاگ اصلی (مرحوم)

برچسب ها: فارس, هک, بالاترین, تحریم, خبرگزاری فارس, دنباله, شبکه اجتماعی نوشته شده در رسانه | 7 دیدگاه

اگر بالاترین نیستیم می توانیم فعلاً بالاتر باشیم

فوریه 4, 2009 توسط فرناز

امروز روز بدی بود برای هزاران کاربر بالاترین و ده ها هزار خواننده آن. بنا به توضیحاتی که رضا داده دومین بالاترین از طریق جعل هویت به سرقت رفته و به گفته عزیز هم پس گرفتن دومین زمان بر است. همه اینها یعنی جامعه ای که من و تو با اندیشه های متفاوت و گاهی متضاد ساخته بودیم و از بودن در آن جامعه لذت می بردیم در خطر فرو پاشی است. قبول دارم که شبکه های اجتماعی مشابه هم وجود دارند که شاید حتی امکانات بیشتری داشته باشند ولی ما بالاترینی ها «جامعه» ای بی نظیر ساخته بودیم؛ جدای امکانات و قابلیت ها. من و ما امروز نگران آن جامعه هستیم و نه فقط لینک هایی که به اشتراک گذاشته میشدند و برای همین از همه کسانی که به جامعه هفت رنگ بالاترین اهمیت می دهند و دوستش دارند درخواست می کنم دنبال راه حل باشند و لطفاً فعلن بی خیال اختلافات بشوید.

به نظرم دم دستی ترین راه حل استفاده از یک دومین موقتی هست و انعکاس خبر توسط همه وبلاگ نویس ها. مهم نیست که خبر تکراری هستش، مهم اینه که خبر به گوش همه برسه و حتی می تونیم برای اینکار یک متن مشترک داشته باشیم در مورد تغییر موقت دومین بالاترین. توی تمام شبکه های اجتماعی دیگه هم این خبر رو پخش می کنیم و از همه نفوذمون در رسانه ها هم کمک می گیریم؛ به نظرم کاملاً شدنی هست اینکار.

یک دومین خوب هم شاید بالاتر دات کام باشه که مالک اون پیمان روشن ضمیر هست. من مالک این دومین نیستیم که بتونم پیشنهادی در موردش بدم اما از اونجایی که پیمان یکی از دوستان خوب هست می تونم ازش درخواست کنم برای مدتی که

مشکل قانونی دومین بالاترین حل میشه، دومین بالاتر دات کام را در اختیار اعضای جامعه این شبکه قرار بده و از مسئولان بالاترین هم خواهش کنم که خیلی سخت نگیرند. بهرحال این به نفع خود دومین و صاحب دومین هم هست چون این دومین کل اعتبار پیدا می کنه و به نفع ما اعضای جامعه بالاترین هم هست که آواره نمیشیم و به نفع مدیران بالاترین هم هست که کاربرها را از دست نمیدن.

اگر به نظرتون این پیشنهاد خوبه بگید بیشتر روش کار کنم. اگر هم فکر می کنید این راه خوبی نیست لطفاً یک دومین را سریع جایگزین کنید چون الان که خبر بالاترین داغ هستش میشه به خوبی اطلاع رسانی کرد. من شخصاً حاضرم یک روز کامل وقت بذارم برای کار گروهی و اطلاع رسانی و...

مهدی، رضا و عزیز بدونید که خیلی زود این خبر هم سرد میشه و باید خیلی فوری کاری انجام بدید. این به نفع همه ماست

امیدوارم بالاترین هرچه زودتر راه بیفته.

پی نوشت: خوشبختانه مشکل بالاترین به بهترین شکل حل شد!

برچسبها: بالاترین
نوشته شده در بالاترین | 5 دیدگاه »

این وبلاگ فیلتر شده؟!

فوریه 1, 2009 توسط فرناز

چند نفر از خبردادند که وبلاگ فیلتر شده و البته هیچ قطعیتی هم نداره هنوز اما نقدا هرچی فید از این وبلاگ دارید دور بندازید و این دو تا فید زیر را جایگزین کنید:

فید(خوراک) نوشته ها

فید(خوراک) دیدگاه ها

آدرس زیر را هم داشته باشید اگر فیلتر شد کوچ می کنم اینجا:

<http://2farnaz.wordpress.com>

فعلاً خبری نیست در آدرس بالا

راستی خبر بدید که آیا واقعاً فیلتر شده این وبلاگ؟! من هنوز وقت نکرده بودم حتی سر و وضع این وبلاگ را مرتب کنم!!

من شاید 20 ساعتی نتونم آنلاین بشم فقط

نوشته شده در 6 | Uncategorized دیدگاه »

خمینی هم مجسمه شد!

ژانویه 31, 2009 توسط فرناز

در خبرها آمده بود که مجسمه خمینی امروز در فرو دگاه مهرآباد رونمایی شد. برای من عجیب نیست که از بنیانگذار یک انقلاب مجسمه ساخته شود، اما جالب اینجاست که خود خمینی مثل اکثر مراجع گردن کلفت اسلام با مجسمه و مجسمه سازی و خصوصاً پیکر تراشی مخالف بود و اینها را حرام می دانست.



Photo : Hassan Ghaedi

FARS NEWS AGENCY

حالا خود خمینی هم مجسمه شد و ماند به یادگار تا نسل آینده بهتر بتواند معنی "بع کردن" انسان» های نسل گذشته را درک کند و احتمالاً در آینده این نمادها به دانشمندانی اهدا خواهند شد که تئوری داروین را کامل تر کنند.

برچسب‌ها: مجسمه, مجسمه سازی, انقلاب اسلامی, تندیس, خمینی
نوشته شده در جامعه | 19 دیدگاه »

چرا از حقوق بشر دفاع می کنم اما از حسین درخشان دفاع نمی کنم؟

ژانویه 30, 2009 توسط فرناز

پاسخ به این سوال برمیگردد به فلسفه دفاع از «حقوق بشر». جدای اینکه این حقوقی که از آنها حرف می زنیم دقیقاً چه چیزهایی هستند باید به این سوال پاسخ داد که دفاع از حقوق بشر چه ضرورتی دارد؟ جواب سوال سخت نیست، ما از حقوق بشر دفاع می کنیم چون همیشه خطراتی عمده وجود داشته که حقوق انسانها را تهدید می کرده است و همین خطرات میلیونها بار باعث نقض حقوق بشر شده و ما می دانیم که قرار نیست خدا و امام زمان از بشر و حقوق او دفاع کند و این ماییم که باید با خطراتی که بشر را تهدید می کند مبارزه کنیم.

پس دفاع از حقوق بشر آن ژست های احمقانه و کراوات های رنگ و وارنگ و نورافشانی فلاش ها نیست. دفاع از حقوق بشر این نیست که کوفی عنان ها بروند پشت میکروفن و برای چند صدهزارمین بار منشور جهانی حقوق بشر را از حفظ بخوانند و خواستار رعایت آن در جاهای مختلف دنیا بشوند که وقتی هم رعایت نشد و حتی حقوق بشر به دلیل همین سهل انگاری ها بیشتر نقض شد باز زیر نور فلاش همان دوربین ها جایزه صلح بگیرند. دفاع از حقوق بشر این نیست که بعضی ها برای کسب شهرت و محبوبیت قربان صدقه فاشیسم بروند و عزاداری کنند که چرا فاشیست بی دفاع مانده است...دفاع از حقوق بشر یعنی مبارزه عملی و قاطعانه با خطراتی که حقوق بشر را تهدید می کنند....

حالا- باید به این سوال پاسخ داد که چه چیزهایی و چه کسانی حقوق بشر را تهدید می کنند؟

قطعاً موش و روباه حقوق بشر را تهدید نمی کنند، حتی خرس و شیر و پلنگ هم. قطعاً ابر و باد و مه و خورشید و فلک هم مقصر نیستند. تنها دوجیز بشر را تهدید می کند. یکی جهل و نادانی خود بشر و یکی جانوران وحشی دویایی که اتفاقاً درست مثل انسان حرف می زنند.

بحث من اینجا ارتباطی به وضعیف فرهنگی جامعه ندارد و برای همین روی مورد دوم که مبارزه با آن جانوران وحشی دویا است تمرکز می کنم و باز تاکید می کنم که

دفاع از حقوق بشر هیچ معنایی ندارد مگر مبارزه قاطعانه با خطراتی که حقوق بشر را تهدید می کنند.

اینجا یک بحث مهم وجود دارد که شاید به جای فلسفه نوشتن بهتر باشد در موردش یک مثال بزنم:

آیا کسی که به خود بمب می بندد و خود و دیگران را می کشد در زمره آن جانوران وحشی قرار می گیرد؟ کسی که پیرو یک ایدئولوژی خطرناک است چطور؟ و...؟

خیلی مهم است به این نکته دقت کنیم که این افراد در زمره جانوران وحشی قرار نمی گیرند و فقط قربانی جهل محسوب می شوند. در مورد اینها باید با جهل مبارزه کرد نه با خود این افراد. این مثالها برای این بود که بگویم این پیش فرض غلط است که فکر می کنید من قربانیان را هم جانوران وحشی می دانم!

اما حیوانات خونخواری که من به آنها اشاره می کنم افراد معدودی هستند در سراسر دنیا (و در همه تاریخ هم وجود داشته اند) که از علم، تکنولوژی، ایدئولوژی، سیاست، ناسیونالیسم و مهمتر از همه از جهل بشری به طور آگاهانه بر علیه انسان استفاده می کنند و اگر واقعاً می خواهید از حقوق بشر دفاع کنید باید با این جانوران خوناخام مبارزه کنید (و حتماً به طور موازی با جهل بشری)

اینکه 200 وکیل برای کسب شهرت و رسانه ای شدن می روند و اعلام می کنند حاضرند داوطلبانه از صدام دفاع کنند، دفاع از حقوق بشر نیست و این دقیقاً همان ژست های است که اول بحث در موردش نوشتیم. در این موارد دفاع از حقوق بشر کراواتی می شود بر گردن بعضی ها در جهت خیانت به بشر چون مثلاً هر لحظه زنده ماندن صدام می توانست تهدیدات فراوانی را متوجه هزاران انسان بکند.

دفاع از هیتلر و دادن حقوق انسانی به او هم نه تنها دفاع از حقوق بشر نبود که جنایت بود در حق بشریت چون هر لحظه بقای چنین انسان هایی حقوق انسانی هزاران و گاهی میلیون ها «انسان» را تهدید می کند.

به همین ترتیب دفاع از حقوق استالین ها و خمینی ها هم خیانت است به حقوق بشر. دفاع از حقوق حسین درخشان هم به معنی دادن امکانات است به او در جهت تضعیف و نقض حقوق ده ها انسان دیگر. از حسین درخشان دفاع نمی کنم چون حسین فقط یک فرد نیست، اندیشه ایست که حقوق بشر را تهدید می کند و اندیشه خطرناک، تهدیدی بزرگتر از یک فرد است چون می تواند توسط خیلی ها بکار گرفته شود.

از حسین درخشان هم دفاع نمی کنم چون فعال حقوق بشر هستم و برای دفاع از حقوق بشر با این موجودات خطرناک که دادن حقوق انسانی به آنها می تواند به بهای به خطر افتادن حقوق انسانی صدها نفر دیگر باشد مبارزه می کنم.

من درک می کنم اینطور شفاف نوشتن در جمعی که همه ادعای روشنفکری دارند و کروات حقوق بشر به گردن کار ساده ای نیست. اما واقعیت این است که دفاع از حقوق بشر فلسفه ای دارد و فلسفه اش وجود خطراتی است که از جانب برخی انسان نماها حقوق بشر را تهدید می کند و دفاع از حقوق بشر یعنی مبارزه با همین تهدید ها و نه آن ژست گرفتن ها و صدا نازک کردن ها!

امیدوارم اگر کسی مخالف بود کل مطلب را بخواند و به طور منطقی جواب بدهد و نه اینکه اتهام بی سوادی بزند یا فحش بدهد و....

* لینک این مطلب در بالاترین:

<https://balatarin.com/permlink/2009/1/29/1516137>

پی نوشت: تو بحث هایی که اینجا و اینجا داشتیم دیدم لازمه توضیح بدم که این نوشته فقط و فقط در مورد واکنش فعالان حقوق بشر هست و متدهای تصمیم گیری در موارد خاص و کلاً شرح فلسفه دفاع از حقوق بشر از دیدگاه من. اما قانون نباید تبعیض بین موجودات دویای انسان نما قائل باشه و نباید راه قانونی برای خفه کردن صداها وجود داشته باشه. فقط و فقط در مورد واکنش فعال حقوق بشری که قدرت نداره و می خواد تصمیم بگیره در یک مورد یا کلاً می خواد از حقوق بشر دفاع

کنه نوشتنم. قطعاً از دیدگاه حکومتی و قانونی، پیش شرط دموکراسی رعایت حقوق بشر در قانون هست و باید باشه و این هیچ ربطی به دفاع کردن یا نکردن یک فعال حقوق بشر نداره

برچسب‌ها: [حقوق بشر](#), [حسین درخشان](#), [دفاع از حقوق بشر](#)
نوشته شده در [حقوق بشر | 37 دیدگاه](#)»

سید ابراهیم نبوی در راه درخشان

ژانویه 28, 2009 توسط فرناز

امروز دیدم [سید ابراهیم نبوی طراز](#)، از همه جفاهایی که در حق جمهوری اسلامی و دولت فحیمه کرده توبه کرده و در مدح حسین درخشان و افکار او هم [شعری نوشته است](#).

خواستم در موردش چیزی بنویسم اما فکر می‌کنم خود این افراد با گفته‌ها و نظراتشان بهتر از هرکسی تصویر واقعی که پشت هزارنقاب پنهان کرده‌اند را نشان می‌دهند و برای همین هم فقط یک پاراگراف از سخنان گوهریار این آقا را اینجا می‌گذارم و قضاوت را مثل همیشه به افکار عمومی واگذار می‌کنم. به هر حال باز هم به زمان انتخابات در ایران نزدیک می‌شویم و لازم است تا ماهیت افرادی که برای نظام تبلیغ زیرپوستی می‌کنند را بهتر بشناسیم.

سید ابراهیم نبوی در مطلبی ظاهراً جدی چنین هجوی نوشته است:

باید اعتراف کنم که ماهها بود به این نتیجه رسیده بودم که بسیاری از حرف‌های حسین درخشان درباره مسائل جهانی، واقعیات ایران و بخصوص درباره اپوزیسیون ایرانی درست است و خود نیز مستقلاً به برخی از آنچه او به آن رسیده بود باور داشتم، حتی به این نتیجه بودم که بازگشت به ایران و دفاع از سرزمین و حتی دولت مهم‌ترین وظیفه ما در وضع فعلی است. وقتی حسین می‌رفت از خدا خواستم موفق شود، چرا که اگر او می‌توانست به ایران بازگردد، من و بسیاری دیگر از هموطنانی که دلمان برای ایران می‌تپد و هر روز با رویای بازگشت از خواب بیدار می‌شویم، نیز راهی به سوی بازگشت پیدا کرده بودیم.

page { margin: 0.79in } P { margin-bottom: 0.08in;@ -!>
<- { text-align: right

برداشت آزاد!

برچسب‌ها: [جمهوری اسلامی](#), [حسین درخشان](#), [سید ابراهیم نبوی](#)
نوشته شده در [جامعه | 34 دیدگاه](#)»

من ایرانی نیستم یا این پرچم ایران نیست؟!

ژانویه 22, 2009 توسط فرناز

[استقبال کاربران](#) از عکس زیر بهانه‌ای شد تا نظرم را در مورد این پرچم بنویسم

□

به تصویری خوب نگاه کنید! همه نقش‌های این پرچم سعی دارند چند واژه و شعار عربی را با نظم هندسی به تصویر بکشند. عبارت و واژه‌ها اینها هستند:

« الله » و « لا اله الا الله »

که در وسط پرچم قرار دارد

« الله اکبر »

این عبارت (یا شعار) در مجموع 22 بار تکرار شده! که به نشانه پیروزی انقلاب

اسلامی در 22 بهمن؛ 11 بار در پایین و حاشیه رنگ سبز و 11 بار دیگر بالای رنگ قرمز. این یازده ها هم نشانه همان ماه بدبختی است که یازدهمین ماه سال است.

نکته اول اینکه آیا قحطی لغت بوده در زبان فارسی که زبان رسمی ایرانیان است که از لغات عربی استفاده شده است؟ چرا باید از زبان رسمی کشورهای دیگر در پرچم ایران که زبان رسمی آن فارسی است استفاده شده باشد؟ مسخره نیست اگر روی پرچم آمریکا به فارسی شعار بنویسند!

نکته دوم: آیا جز این است که «ایران» هزاران سال پیش از اسلام و الله هم وجود داشته؟

نکته سوم: آیا پرچم متعلق به همه انسان های یک سرزمین نیست؟ من که اصلاً خدا را باور ندارم (چه رسد به الله را) و او که یهودی است و دیگری که بت پرست است چرا باید سمبل و نماد کشورش چیزی باشد که ربطی به او ندارد و شاید اصلاً با آن مخالف است. مثل این است که اگر یک آتئیست انقلابی را بنیان گذاری کند پرود و شعارها و سمبل های آتئیسم را روی پرچم بگذارد و گوربابای آنهایی که احیاناً گاو یا خدا را می پرستند!

نکته چهارم: اصلاً چرا باید روی پرچم شعارهای ایدئولوژیک داده شود؟!

حالا آیا به من بگویند من ایرانی نیستم یا این پرچم، پرچم ایران نیست؟

پی نوشت: فراموش کردم به این نکته هم اشاره کنم که اصلاً چرا باید روی پرچم شعار نوشت؟! مگه داریم بیانیه صادر می کنیم؟ و اصلاً مگه این پرچم نماد بین المللی ما نیست؟ چه معنی داره که به فارسی یا عربی روی این پرچم شعار بنویسیم درحالی که وقتی این پرچم در سازمان ملل نصب میشه یا جلوی اوپاما به احتزاز درمیاد کسی فارسی و عربی بلد نیست که بخونه! مطمئن باشید اگر بلد بودند هم کلی تعجبی می کردند که چرا اینها روی پرچم شعار نوشتن!

خلاصه بهتره در پرچم فقط از نمادها استفاده بشه و نمادها هم فراایدئولوژیکی و انسانی باشند.

برچسبها: لا اله الا الله، پرچم ایران، الله اکبر، ایران، اسلام، جمهوری اسلامی
نوشته شده در جامعه | 54 دیدگاه »

فریاد ما بود که در بغض عادل فرو خورده شد...

ژانویه 20، 2009 توسط فرناز

دیشب عادل بغض کرده و بود و مدام بهانه جویی می کرد تا دورین را از صورت خود منحرف کند. انگار هزار سد ساخته بودند در راه گلویش؛ مبادا چیزی بگوید، مبادا نظام تضعیف و خون شهدا پایمال شود! حکایت دیشب برنامه نود از جنسی دیگر بود، میلیونها بیننده آن منتظر فوتبال نبودند و برعکس، یکی یکی بازی ها به انتظار نبرد آخر ورق زده می شدند. نبردی که یک سوی آن عادل بود به نمایندگی از میلیونها نفری که پرسشگری را حق خود می دانستند و سوی دیگر تربیت بدنی، به نمایندگی دولت و نظام و با خون مصادره شده شهدا! اینبار هم مثل همیشه حریف از پشت خنجر زد چون می دانست که نمی تواند حریف میلیونها بیننده باشد. اما هرچه کرد نتوانست صورت عادل فردوسی پور را حذف کند و فریاد ما را که بغضی شده بود در گلو عادل...

عادل فردوسی پور دیشب به هیچ چیز رقبتی نداشت. نه به برنامه های معمول 90 و نه به پرسش های نصیری و نه حتی به دورین. اما بی تاب بود برای دریافت میلیون ها اس ام اسی که خود گویای همه چیز بودند. بی تابی عادل را میشد از خبررسانی هایش در مورد اختلال در سیستم در عین همه بی رقبتی هایش فهمید. انتظاری که بیهوده بود و سیستم هم در اختلال باقی ماند تا گویای ذهن مختل شده دولت و نظامی باشد که تربیت بدنی و مخبرات دیشب به نمایندگی از آنها به مبارزه با ما آمده بودند. چه حرکت زیبایی کرد آخر برنامه که گفت سیستم فقط برای چند ثانیه کار می کرده و با اینکه آماری را جلوی گذاشته بودند حاضر به قرائت آن نشد که

من و ما مسخره نشده باشیم.

عادل فردوسی پور عزیز، به سهم خودم از تو تشکر می کنم برای قبول این مسئولیت سنگین. همه ما می فهمیم که میشد خیلی راحت با یک تلفن و چاپلوسی همه مشکلات را به سبک ایران حل کرد و تازه جای خود را محکم تر هم کرد. ممنون که به سبک همه این سالها با ما همراه بودی و از همه اس ام اس هایی که هرگز به مقصد نرسیدند دفاع کردی. امیدوارم حالا که نوبت ماست بتوانیم آنطور که شایسته تو، نود و ورزش ایران است عمل کنیم.

پی نوشت: راهکار و طرح پیشنهاد بدید برای تداوم این حرکت

برچسبها: 90, فردوسی پور, نود, نظام, سازمان تربیت بدنی
نوشته شده در ورزش | 11 دیدگاه »

» ورودی‌های پیشین

وب‌نوشت در وردپرس. کام.
ورودی‌ها (RSS) و دیدگاه‌ها (RSS).